

گنگ خواب دیده

نگاهی به نخستین دریافت‌های ایرانیان
از تمدن جدید غرب

بهزاد جامه‌بزرگ | با مقدمه رضا داوری اردکانی

حداد

نشر صادق

عنوان: گنگ خواب دیده
نگاهی به نخستین دریافت‌های ایرانیان
از تمدن جدید غرب

نویسنده: بهزاد جامه بزرگ
ویراستار: مریم ترکمیان
نمونه خوان: رسول احدی خانقاه

طراح جلد: رضا دولت زاده
صفحه آرا: زهرا صالح نژاد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۸۹۲-۲۶-۰
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰
قیمت: ۶۷۰۰۰ تومان

تمام حقوق چاپ و نشر، محفوظ
و متعلق به ناشر و ناشران همکار نشر صادق است

نشانی: تهران - خیابان کریم خان زند
بین خیابان ایرانشهر و ماهشهر - پلاک ۱۳۶ - طبقه دوم
شماره تماس: ۸۸۴۹۰۷۴۳ - ۲۱
شماره پیامک: ۱۰۰۰۳۰۳۱۳۲

سرشناسه: جامه بزرگ، بهزاد، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور: گنگ خواب دیده:
نخستین دریافت‌های ایرانیان از تمدن جدید غرب
بهزاد جامه بزرگ؛ با مقدمه رضا داوری اردکانی؛
ویراستار: مریم ترکمیان.
مشخصات نشر: تهران: یارمند، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۲۲۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۸۹۲-۲۶-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: کتابخانه: ص. ۱۹۹-۲۰۳.
موضوع: ایران - تمدن - تأثیر غرب
موضوع: Western influences - Civilization - Iran
موضوع: تمدن غرب
موضوع: Civilization, Western
شناسه افزوده: داوری، رضا، ۱۳۱۲ -، مقدمه نویسنده
رده بندی کنگره: DSR۶۵
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۲۲
شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۶۹۱۲۴

فهرست

مقدمه دکتر رضا داوری اردکانی	۹
مقدمه نویسنده	۱۵
بیان مسئله	۱۹
بخش اول: زمینه‌های آشنایی و برخورد	۲۵
فصل اول، تصویری از جامعه ایران مقارن شکل‌گیری تمدن جدید اروپایی	۲۹
فصل دوم، نخستین برخوردها با تمدن جدید غرب و تبعات ناشی از آن برای ایران	۴۳
فصل سوم، نخستین تلاش‌ها برای شناخت تمدن جدید غرب	۵۹
بخش دوم: بررسی و تحلیل سفرنامه‌های ایرانی دوره قاجار	۶۷
فصل اول، سفرکنندگان رسمی و صاحب‌منصبان و سفیران دولتی	۷۱
۱ عسرت چهل مرکب / حیرت‌نامه: سفرنامه ابوالحسن خان ایلچی به لندن	۷۱
۲ زبان الکی روایت فاصله‌ها / دلیل السفر: شرح مسافرت ابوالحسن خان ایلچی شیرازی	
به روسیه / محمدهادی علوی شیرازی	۷۹
۳ جذابیت نهادهای نوظهور / سفرنامه میرزا صالح شیرازی	۸۶
۴ رساله‌ای برای آغاز اصلاحات سفرنامه خسرو میرزا به پطرزبوغ / به قلم میرزا مصطفی	
افشار	۹۵

- ۵ دریافت های عامیانه شاهزادگان / سفرنامه رضاقلی میرزا نایب الایاله ۱۰۳
- ۶ واکنش به آزادی های مدنی سفرنامه حسین خان نظام الدوله، آجودانباشی / به قلم میرزا فتاح خان گرمردی ۱۱۳
- ۷ توقف در گزارش های رسمی سفرنامه سیف الملک به روسیه / به قلم میرزا حبیب الله افشارقزوینی ۱۱۸
- ۸ سرگردانی در میان بدایع و نوبینی مخزن الوقایع: سفرنامه فرخ خان امین الدوله به اروپا / به قلم حسین بن عبدالله سراسی ۱۳۰
- ۹ چشمان باز بسته / سفرنامه عبدالصمد میرزا سالور عزالدوله ۱۳۶
- ۱۰ حسرت ترقی و وارونه ایرانیان / سفرنامه ظهیرالدوله ۱۳۷
- فصل دوم، سفرنامه های تجار و بازرگانان ۱۳۷**
- ۱ روایتی از بازار مکاره تجارت غرب / سفرنامه شیکاگو میرزا محمدعلی خان معین السلطنه ۱۳۸
- ۲ کشفی بر بانه ساده انگاری / سفرنامه ابراهیم صحافباشی تهرانی ۱۴۰
- فصل سوم، سفرنامه های سیاحان و زائران ۱۴۵**
- ۱ سفرنامه های ایرانیان مقیم هندوستان ۱۴۵
- الف) تصویر تمدن جدید از منظر استعمار هند / تحفة العالم و ذیل التحفة (میرعبداللطیف شوشتری) ۱۴۵
- ب) تبه و تذکر اهل اسلام / مسیطحالی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان ۱۵۲
- ۲ دریافت اخلاقی و حسن و قبح تمدن جدید / سفرنامه حاج سیاح به فرنگ ۱۵۶
- ۳ محک غرب با عیار اخلاق / سفرنامه حاجی پیرزاده ۱۶۲
- ۴ روایتی ناقص از دولت نوساز / سفرنامه سهام الدوله بجنوردی ۱۶۸
- ۵ فرصت تاریخی برای ترقی: ترقی ژاپن، توقف چین / سفرنامه مکه مهدیقنی هدایت .. ۱۶۹
- ۶ سفرنامه های مکه ۱۷۴
- الف) تقلیل گرایی تمدن جدید به بی بندوباری اخلاقی / سفرنامه فرهاد میرزا معتمدالدوله ۱۷۵
- ب) روایتی ادبی از شرایط اخلاقی / سفرنامه محمد معصوم علیشاه ۱۷۸
- ج) معایب جمهوری و تطهیر سلطنت / سفرنامه میرزا محمدحسین فراهانی ۱۸۰
- فصل چهارم، سفرنامه های شاهان به فرنگ ۱۸۳**
- ۱ عیش و عشرت شاهانه و خیال انگیزی یوروپ / سفرنامه های ناصرالدین شاه به فرنگ ۱۸۳

مقدمه دکتر رضا داوری اردکانی

بسیار خوش حالم که توانستم این کتاب را در شرایطی که خواندن و نوشتن برایم بسیار دشوار شده است، قبل از چاپ بخوانم. در این کتاب، تاریخ دویست ساله نسبت ما با جهان جدید به صورتی روشن و با رعایت حوصله خوانندگان تصویر و گزارش شده است و به اعتباری می توان آن را گزارش یک سوء تفاهم دویست ساله دانست. داستان از زمانی آغاز می شود که آقا محمد خان قاجار به گرجستان لشکر کشید؛ این لشکرکشی را باید آغاز جنگ های ایران و روس دانست که کار ایران در آن جنگ ها ساخته شد. انعقاد قراردادهای گلستان و ترکمانچای آغاز دوره فتور و ناتوانی ما بود؛ گرچه نهضت هایی مثل مشروطه برای فائق آمدن بر آن پدید آمد، اما نتیجه ای که می بایست بدهد، نداد.

گزارش نشان می دهد که حکام ایران از تحولی که در جهان روی داده بود خبر نداشتند و از درک اوضاع زمان و شرایط و امکان ها نیز عاجز بودند و به مقتضای طبع و خوی خاص خود تا اندکی قدرت و اختیار داشتند (چون راه صلاح را تشخیص نمی دادند) با اصرار در خودرأیی، راهی را که به کشور زیان می رساند، برمیگزیدند تا اینکه کارشان به اضطراب می کشید و تسلیم ضرورت می شدند؛ ضرورتی که می توانستند از آن جلوگیری کنند، ولی چون از فهم و خرد دور

و بی بهره بودند، در نمی یافتند که تا کجا پیش روند و در کجا توقف کنند و با دولت ها و حکومت های اروپایی چه قراردادها و عهدنامه هایی ببندند و اگر در جنگی وارد می شوند، اولاً توانایی خود و حریف را بسنجند و ثانیاً به آثار و پیامدها و نتایج آن بیندیشند.

بخش اول کتاب مطالعه گزارش تصمیم ها و اقدامات حاکمان ایران در آغاز برخورد با اروپاست و در آن نشان داده می شود که تصمیم ها و اقدامات بدون تأمل و از روی جهل و غرور و اصرار در نادانی و نادان ماندن، اتخاذ و اجرا می شده است. مثال و نمونه آن رد پیشنهادهای مکرر روسیه پس از قتل آقامحمدخان برای عقد قرارداد صلح و انعقاد قراردادی مسخره با فرانسه بود که ایران را گرفتار دو جنگ با روسیه کرد و فاجعه یا انعقاد قرارداد ترکمانچای ختم شد.

در بخش دوم، نویسنده به مرور سفرنامه هایی می پردازد که مأموران سیاسی ایران و بازرگانان و سیاستمداران ایرانی از زمان فتحعلی شاه تا دوران مشروطیت نوشته اند. همت نویسنده را باید تحسین کرد که بیش از بیست سفرنامه را خوانده و آن ها را از روی فهم و با ذوق تلخیص کرده و نکات عمده ای که فهم نویسنده از جهان جدید را نشان دهد، یافته و گزارش کرده است.

به نظر نویسنده، نویسندگان سفرنامه ها (به جز خسرومیرزا که هم سفری مثل میرزاتقی خان فراهانی داشت و میرزامهدی مخبرالسلطنه) بیشتر ظواهر و امور اتفاقی را دیده و از درک آنچه اروپا را دگرگون کرده غافل و عاجز مانده اند. وقتی حاکمان و مدیران و بازرگانان کشور، اروپا را شناسند و ندانند که در آنجا چه گذشته است و چه می گذرد، پیداست که نمی توانند با آن رابطه معقول داشته باشند.

به گمان من، «گنگ خواب دیده» می تواند آینه ای باشد که نویسنده کتاب در برابر ما قرار داده و از ما خواسته است که صورت و سیرت فهم و فرهنگ خویش را در آن تماشا کنیم؛ ولی چون این تماشا باید با چشم جان باشد به آسانی صورت نمی گیرد. نیاکان ما جهان جدید را نشناختند، ما هم (گرچه اطلاعاتمان بیشتر است) در درک و فهم کم و بیش با آن ها شریکیم و همان نگاه را داریم و چندان

بیش از آنچه آن‌ها از باطن تجدد دریافتند، دریافته‌ایم و علاقه‌ای هم به درک و دریافت آن نداریم. اروپا و تجدد و گذشته و آینده آن برای ما مسئله نیست. ما علم جدید و بعضی تکنولوژی‌ها را به عنوان اطلاعات و اشیای مصرفی از جهان تجدد انتزاع کرده و فراگرفته و اخذ کرده‌ایم. حتی فلسفه و علوم انسانی ما انتزاع شده از جهان تجدد است. چنان‌که از خواندن این اثر درمی‌یابیم جهانگردان دو قرن پیش، تجدد را مجموعه خوب‌ها و بد‌ها دانسته‌اند. مگر این سخن اکنون و هنوز مقبول بسیاری از روشنفکران نیست؟ البته کتاب‌هایی درباره تجدد ترجمه و تألیف و منتشر شده است، اما در آنچه نویسندگان خودمان نوشته‌اند (از اهل سیاست و حکومت توقعی ندارم) مطلب تحقیقی درباره تجدد و جهان جدید بسیار اندک است و کسانی هم که کم‌وبیش به پرسش تجدد اندیشیده و در اطراف آن مطالعه کرده‌اند گویی خجالت می‌کشند که به صراحت اظهارنظر کنند و شاید می‌ترسند که مورد سرزنش پیروان تجدد مآب قرار گیرند، یا ظاهرینان متحجر گفتارشان را بر مخالفت با تجدد و تأیید قشریت حمل کنند.

ما دو گروه هستیم و وجه مشترک هر دو این است که قبل از شناخت جهان جدید و متجدد غربی، با آن مخالفت یا موافقت می‌کنیم. آن‌که مخالف است، تجدد را عین قهر می‌داند و می‌پندارد که مخالفت با دموکراسی نفی قهر غربی است. آن‌هم که موافق است، شیدای لفظ و وصف دموکراسی است. یکی غرب را عین سلطه سیاسی می‌داند و دیگری آن را کانون آزادی و علم و رفاه می‌شناسد. این دو گروه با همان چشمی به غرب نگاه می‌کنند که اولین سفیران در زمان فاجارها به روی دنیای جدید گشودند. البته چنان‌که اشاره شد، امروزی‌ها و مخصوصاً امروزی‌هایی که غرب را عین دموکراسی و حقوق بشر می‌دانند، اطلاعات بیشتری از غرب دارند؛ اما اطلاعات همیشه به فهم مدد نمی‌رساند و چه بسا که فهم افسرده و خواب‌آلوده را آشفته سازد.

آقای جامه‌بزرگ، نویسنده «گنگ خواب دیده»، حرفی از آشنایی مردم این زمان نمی‌زند، اما نشان می‌دهد که در طی یک قرن (از ابتدای قرن نوزدهم میلادی تا آغاز قرن بیستم) تحولی در آگاهی ناظران ایرانی پدید نیامده است. در

این قرن، روابط آسان تر و بیشتر شده و اطلاعات فراوان در باب اروپا و آمریکا و همه جهان فراهم آمده و بعضی آثار نویسندگان و شاعران و فیلسوفان و صاحب نظران به فارسی ترجمه شده است. علاوه بر این ها، همه مردم ما به رسم اروپا و آمریکا زندگی می کنند، خور و خواب و رفت و آمد و درس و مدرسه و فکر و ذکر و شیوه کسب و کارشان رسم و شیوه تجدد مآبی است. با همه این ها و با وجود دسترسی به اطلاعات، ما با خرد اروپا چندان که باید آشنا نشده ایم و معمولاً می کوشیم که با خرد فطری و ارثی خویش به فرا گرفته هایمان که منشأ اروپایی دارند، وحدت و سروسامان بدهیم و عجیب نیست که این کوشش آشوب و آشفتگی فکر را بیشتر کند. آنچه به اروپا و غرب جدید به طور کلی سامان بخشیده است خرد و فرهنگ جدید است و تا آن خرد شناخته نشود تجدد را نمی توان شناخت.

به عبارت دیگر، تجدد را کسی می شناسد که با خرد و فرهنگ جدید آشنا باشد و بداند که از قرن چهاردهم میلادی تا قرن هجدهم در اروپا و در جان اروپاییان چه غوغای بزرگی برپا بوده و چه وحی پدید آمده که قوام تجدد و علم و تکنولوژی عظیم و نظم جدید جهان را ممکن ساخته است. از آنجاکه ادبیات و شعر و فلسفه مظاهر عمده این روح اند، این گمان پدید آمده است که از طریق فلسفه و هنر اروپا، باید جهان جدید را شناخت و البته این گمان درستی است به شرط اینکه فلسفه و هنر را در فضای تاریخی اش درک کنیم. فرهنگ جدید در اروپا پدید آمده و از ابتدا داعیه جهانی بودن و جهانگیر شدن داشته است. این خرد و فرهنگ را شاید بتوان به نحو شهودی هم درک کرد. چنان که ژاین به فلسفه و ادب اروپا توجه کرد و درکش از وحدت و جامعیت تجدد، درک مستقیم و شهودی بود. ژاین وقتی به اروپا نظر کرد، اروپا را در راهی دید و خود را نیز مهبای ورود در آن راه یافت و در آن وارد شد؛ ولی ما که به اروپا نظر کردیم، آن را مجموعه ای از کالاهای فرهنگی و صنعتی و سیاسی یافتیم و همچنان نیز بر این رأی می رویم.

چرا ما باید اروپا را بشناسیم و چه نیازی به این شناخت داریم؟ ما و همه جهان از آن جهت به شناخت تجدد نیاز داریم که خانه وجود مردمان در تسخیر تجدد است و تجدد، جهان را راه می برد و رفتار و گفتار و شیوه زندگی همه مردم

جهان از تجدد رنگ گرفته است. ما همه، مظاهر و وجهی از تجدیدیم و خود را با تجدد و تجدد را با نظر کردن به خود و در خودمان می‌توانیم بشناسیم. نشناختن تجدد، بیگانگی بیشتر با خویش است.

اکنون تجدد شأنی از وجود ماست و نه فقط رفتار و گفتار مردمان با قواعد تجدد میزان می‌شود، بلکه اصول اساسی تجدد یعنی پیشرفت و تکامل و آزادی و توانایی بشر در ساختن و پرداختن جهان خویش نیز ربطی به غرب و تجدد ندارد و در زمرهٔ مسلمات و مقبولات همیشگی است. با این ناتوانی در درک تفاوت‌هاست که مردم جهان توسعه نیافته، متجددان ناتوان‌اند.

گزارش این کتاب محدود به یک دورهٔ تقریباً یک‌صدساله از جنگ‌های ایران و روس تا مشروطه است و در باب وضع یک‌صد سال اخیر حرفی در آن نیامده است. مهم این است که بدانیم آیا تفاوتی میان درک و فهم این دو قرن وجود دارد؟

ظاهر این است که گرچه سواد و اطلاعات بیشتر شده، ولی فهم و درک همان است که بوده است. کاش آقای جامه‌بزرگ تازه‌ای بنویسند و به ما بگویند که در قرن اخیر نگاه ما به غرب و تجدد چگونه بوده و آیا اهل سیاست و دست‌اندرکاران امور، تجدد و جهان کنونی را بهتر از خسرومیرزا و میرزاتقی خان قزوینی امیرکبیر و میرزا مهدی قلی هدایت (مخبر السلطنه) می‌شناسند! این سه نام را از آن جهت آوردم که نویسنده به درستی آنان را در قیاس با دیگر سفرنامه‌نویسان، صاحب درکی برتر دانسته‌اند. در یکی دو دههٔ اخیر آثار خوبی دربارهٔ نظر غربیان به ایران و نگاه ایرانیان به اروپا و آمریکا منتشر شده است؛ کتاب «گنگ خواب دیده» هم یکی از آن کتاب‌های خوب است. توفیق نویسنده گرامی را از خداوند مسئلت دارد.

رضا داوری اردکانی

شهریور ۱۴۰۰